



برترین های

فاطمه

برترین های فاطمه سلام الله علیها

فصل منبر فاطمه

موضوع: فیش منبر فاطمیه

عنوان: برترین های فاطمه (سلام الله علیها)

صاحب امتیاز: گروه تبلیغی پژوهشی مهاجر

گرد آورنده و تدوین کننده : گروه مهاجر

طراحی صفحه: گروه گرافیک مهاجر

نوبت نشر: اول

تیراژ: ۰۰۰۰

سال نشر: ۱۳۹۹ / کانال فیش منبر و مرثیه

فصل: پاییز

سلام الله علیها

برترین های فاطمه



جلسه چهارم



کریم ترین

- ۷ موضوع کلی : برترین های فاطمه
- ۷ جلسه چهارم : کریم ترین
- ۹ بیان فضیلتی از سرور زنان
- ۱۰ نام فاطمه
- ۱۱ لغت شناسی
- ۱۳ کریم» و «اکرم» صفت خداوند متعال
- ۱۳ کریم صفت قرآن کریم
- ۱۴ کریم صفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۱۴ کریم صفت ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین
- ۱۵ به نیابت مادرم طواف کن
- ۱۷ نشانه های کرم و کرامت چیست؟
- ۱۸ ۱- عطاء و بخشش بسیار
- ۱۹ بخشش خالصانه مادر سادات
- ۲۱ ۲- برآوردن نیاز جوینده
- ۲۲ انفاق شهید صیاد شیرازی
- ۲۳ ۳- نگهداری زبان

- ۲۳ اهمیت و نقش زبان در سعادت و شقاوت انسان
- ۲۵ زبانت را نگه دار.....
- ۲۶ ۴- بذل احسان.....
- ۲۶ داستان احسان حضرت فاطمه سلام الله عليها به یهودیان ..
- ۲۷ احسان صدیقه کبری سلام الله عليها به شهید برونسی
- ۳۰ سه چیز بین المللی است
- ۳۱ انتهای وفاداری.....
- ۳۳ داستان شهید باوفا.....
- ۳۵ انواع عهد
- ۳۵ ۱- عهد با خداوند.....
- ۳۶ ۲- عهد با پیامبر صلی الله علیه و آله.....
- ۳۶ ۳- عهد با امام زمان عجل الله
۳۶ ۴- عهد با خود
- ۳۷ ۵- عهد با دیگران
- ۳۸ ۶- گذشت و بخشش.....
- ۴۰ راههای رسیدن به کرامت
- ۴۰ ۱- در خواست از خداوند متعال

- ۲- تقوای الهی ۴۳
- ۳- همنشینی با کریمان ۴۴
- ۴- توسل و تمسک به اهل بیت علیهم السلام ۴۴
- گریز به روضه ۴۶
- ذکر مصیبت: ۴۸
- منابع و پی نوشت ۵۰

موضوع کلی : برترین های فاطمه

جلسه چهارم : کریم ترین

ریز موضوع : حضرت فاطمه زهرا سلام الله عليها کریم ترین مردم بود.

أَنْتِ أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَبَرُّ وَ أَتَقَى وَ أَكْرَمُ

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمین نحمده و نستعینه و نستغفره و نتوکل علیه و
نصلی و نسلم علی حبیبه و نجیبه و خیرته فی خلقه حافظ سرّه و مبلّغ
رسالاته بشیر نعمته و نذیر نقمته سیّدنا و نبینا ابی القاسم المصطفی
محمد و علی آله الاطیین الاطهرین المنتجبین الهداء المهدیین سیما
بقیة الله فی الارضین و صلی الله علی ائمة المؤمنین و هداه

المستضعفین . (خطبه از رهبر معظم انقلاب)

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلٰی فَاطِمَةَ وَ اَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ سِرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بَعْدَ
مَا احَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

نثار بی بی دو عالم حضرت زهرا سلام الله عليها و تعجیل در فرج فرزندش
امام زمان عجل الله تعالی فرجه صلواتی ختم کنید

وجود نازنین امیرالمومنین علی علیه السلام که هم همسر و هم امام
زمان حضرت فاطمه سلام الله عليها است پنج صفت در مورد حضرت

فاطمه سلام الله عليها در آخر عمر حضرت بیان می کنند به فضل الهی هر شب در مورد یکی از آن صفات با همدیگه صحبت می کنیم

ابتدا روایت رو براتون بیان کنم روایت در کتاب شریف بحار الأنوار ج ۴۳، ص: ۱۹ علامه مجلسی می باشد.

در لحظات آخر عمر پربرکت بی بی دو عالم حضرت زهرا سلام الله عليها مطالب مهم بین امام علی علیه السلام رد و بدل شده که دارای نکات عمیقی است

أَنَا أُوصِيكَ بِأَشْيَاءَ فِي قَلْبِي قَالَ لَهَا عَلَىٰ عِ أَوْصِيَنِي بِمَا أَحْبَبْتَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَجَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهَا وَ أَخْرَجَ مِنْ كَانِ فِي الْبَيْتِ ثُمَّ قَالَتْ يَا ابْنَ عَمٍّ مَا عَهَدْتَنِي كَاذِبَةً وَ لَا خَائِنَةً وَ لَا خَالَفْتُكَ مِنْذُ عَاشَرْتَنِي فَقَالَ عِ مَعَاذَ اللَّهِ **أَنْتِ** أَعْلَمُ بِاللَّهِ وَ أَبَرُّ وَ أَتْقَىٰ وَ **أَكْرَمُ** وَ أَشَدُّ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ مِنْ أَنْ أُوبِخَكَ بِمُخَالَفَتِي قَدْ عَزَّ عَلَىٰ مُفَارَقَتِكَ وَ تَفَقُّدِكَ إِلَّا أَنَّهُ أَمْرٌ لَا بُدَّ مِنْهُ وَ اللَّهُ جَدَّدَتْ عَلَىٰ مُصِيبَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ قَدْ عَظُمَتْ وَفَاتُكَ وَ فَقَدُكَ فَاِنَّا لِلَّهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاَجِعُونَ مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَفْجَعَهَا وَ آَلَمَهَا وَ أَمْضَاهَا وَ أَحْزَنَهَا هَذِهِ وَ اللَّهُ مُصِيبُهُ لَا عَزَاءَ لَهَا وَ رَزِيَّةٌ لَا خَلْفَ لَهَا ثُمَّ بَكَيَا جَمِيعًا سَاعَةً وَ أَخَذَ عَلَىٰ رَأْسِهَا وَ ضَمَّهَا اِلَىٰ صَدْرِهِ

پسر عمو! اجل من فرا رسیده، من ساعت به ساعت خودم را این طور می بینم که دارم به پدرم ملحق می شوم. در باره این مطالبی که در قلب خود دارم به تو وصیت می کنم.

حضرت علی علیه السلام فرمود: ای دختر پیغمبر هر وصیّتی که دوست داری بکن، سپس بالای سر حضرت زهرا نشست و دستور داد تا افرادی که در اطاق بودند خارج شدند.

پس از آن حضرت فاطمه فرمود: پسر عمو! آیا در این مدّتی که تو با من معاشرت داشتی، دروغ و خیانت و مخالفتی از من دیدی؟

حضرت امیر علیه السلام فرمود: ابدًا! به خداوند پناه می‌برم! تو به وجود خداوند داناتری و نیکوکارتر و پرهیزکارتر و **گرامی‌تر** و از خدا خائف‌تر از آنی که من تو را به علّت مخالفت کردن سرزنش نمایم. حقّا که فراق و فقدان تو برای من بسیار ناگوار است، ولی چه باید کرد، چاره‌ای نیست. به خداوند سوگند که تو مصیبت پیامبر خدا را برای من تجدید کردی، حقّا که فوت و از دست رفتن تو خیلی برای من سنگین و بزرگ است. انا لله و انا الیه راجعون به خداوند سوگند که این مصیبت دردناکترین و غصه‌دارترین مصیبتی است که هیچ تسلیت و تعزیتی با آن برابری نمی‌کند و جانشین آن نخواهد شد!! سپس حضرت علی و زهرا علیهما السلام مدّتی گریستند، آنگاه امام علی علیه السلام سر مبارک فاطمه علیها السلام را بلند کرد و به سینه خود نهاد (۱)

بیان فضیلتی از سرور زنان

فاطمه ای پاک بانوی بهشت

بر مشام آید ز تو بوی بهشت

فاطمه ای شاهکار ذو الجلال

کوثر عشقی و خورشید کمال

لیلة القدر علی و احمدی

تو بهار عشق حی سرمدی

حضرت صدیقه اطهر، فاطمه زهرا سلام الله علیها از نظر فضایل و عظمت آنچنان در اوج قرار دارد که شناخت او جز برای معدودی از انسانها میسر نیست.

نام فاطمه

«إِنَّمَا سُمِّيتُ فَاطِمَةً لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا» (۲) فاطمه، فاطمه نامیده شده است؛ چون خلق از (کنه) شناخت او عاجز هستند. با اینکه قرن‌ها تلاش شده است مقام او آنچنان که هست معرفی شود؛ ولی باز هم قدر و عظمت او همچون قبرش مخفی است.

مقام معنوی حضرت در حدی است که حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «وَهِيَ الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى» (۳) او صدیقه کبری است که بر محور شناخت او قرن‌های گذشته دور زده است.

شاعر عرب به همین نکته اشاره کرده، می‌گوید:

وَحُبُّهَا مِنَ الصِّفَاتِ الْعَالِيَةِ

عَلَيْهِ دَارَتِ الْقُرُونُ الْخَالِيَّةُ

«دوستی او از صفات ارزنده است، و قرنهای گذشته بر محور او چرخیده.»
با این حال، به صورت اجمالی و سربسته باید فضایل حضرت را باور داشت و انکار نکرد؛ چرا که رسول خدا صلوات الله علیه و آله فرمود:
«الْوَيْلُ ثُمَّ الْوَيْلُ، الْوَيْلُ لِمَنْ شُكَّ فِي فَضْلِ فَاطِمَةَ؛ (۴) وای! وای بر کسی که در فضیلت حضرت زهرا سلام الله علیها شک روا دارد.»

موضوع بحث ما در مورد برترین های حضرت زهرا سلام الله علیها بود تا اینجا سه صفتی را که مولا امیرالمومنین به حضرت صدیقه طاهره فرموده بودند بحث کردیم ۱- خداشناس ترین، عالم ترین به خداوند و ۲- نیکوکارترین و ۳- با تقوا ترین اما چهارمین صفت که آن هم اسم تفضیل است اکرم هست. کریم یک صفت الهی است اما بالاتر از کریم اکرم است.

لغت شناسی

ابتدا برای باز شدن مطلب سری به کتب لغت بزنیم و معانی کرم، کریم و اکرم و کرامت و... را برای شما بیان کنم،

صفت «کریم»، -بر وزن فَعِيل، به معنای فاعل- از ریشه «کَرَمَ» به معنای «بخشنده»، «جوانمرد»، «سخاوتمند» و «بزرگوار» است. (۵) و «اکرم»، صفت برترین از همین ریشه است.

همچنین لغت دانان عرب گفته اند:

الف. کَرَم، بر شرافت ذاتی یک چیز یا شرافت در خُلقی از اخلاق، دلالت می‌کند و کَرَم، در اخلاق به گذشت از گناه گناه‌کار گفته می‌شود (۶)

ب. کریم، گذشت کننده است و خدای متعال، کریمی است که از گناهان بندگان مؤمنش می‌گذرد (۷)

ج. در اسامی خدای متعال، کریم؛ به معنای بخشنده و عطا کننده‌ای است که عطای او تمام نمی‌شود و او است کریم مطلق که دارای همه انواع خیر و شرف و ارزش‌ها است (۸)

د. «کَرَمَ الشَّيْءِ کَرَمًا»، در معنای مرغوب و کمیاب به کار رفته و اسم فاعلش کریم است (۹)

هـ) در صحاح و قاموس گوید: «الکرم ضدُّ اللؤم» یعنی کرم ضدُّ لئامت (پستی) است پس **کریم** بمعنی سخی است

و) راغب می‌گوید: کرم اگر وصف خدا واقع شود مراد از آن احسان و نعمت آشکار خداست و اگر وصف انسان باشد نام اخلاق و افعال پسندیده اوست که از وی ظاهر میشود به کسی کریم نگویند مگر بعد از آنکه آن اخلاق و افعالی از وی ظاهر شود و هر چیزیکه در نوع خود شریف است با کرم توصیف میشود. (۱۰)

کریم» و «اکرم» صفت خداوند متعال

در قرآن، صفت «کریم» درباره خداوند؛ یکبار همراه با صفت «غنی» (۱۱) و یکبار همراه با صفت «رب» (۱۲) به کار رفته است و صفت «اکرم»، یکبار به صورت «رَبِّكَ الْأَكْرَمُ؛ پروردگارت، کریم‌ترین است» (۱۳) و دو بار به صورت «ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ؛ شکوه‌مند و بزرگواری‌ترین» (۱۴) آمده است.

در احادیث صفت «کریم» برای خداوند به دو معنای بزرگواری و گذشت کننده از گناهان بندگان، آمده است:

۱- فَإِنَّهُ أَعَزُّ وَأَكْرَمُ وَأَجَلُّ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَصِفَ الْوَاصِفُونَ كُنْهَ جَلَالِهِ، أَوْ تَهْتَدِيَ الْقُلُوبُ إِلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ؛ (۱۵) پس او عزیزتر و کریم‌تر و ارجمندتر و بزرگ‌تر از آن است که توصیف‌گران، نهایت ارجمندی‌اش را توصیف کنند، یا دل‌ها به نهایت بزرگی‌اش راه یابند.

۲- وَاعْفُ عَنِّي وَتَجَاوَزْ يَا كَرِيمُ؛ (۱۶) مرا عفو کن و از من درگذر، ای کریم

۳- پیامبر خدا(ص) در دعایی فرمود: «أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْكَرِيمِ الْأَكْرَمِ، يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ يَا اللَّهُ»؛ (۱۷) از تو می‌خواهم، به واسطه نام کریم و کریم‌ترینت، ای کریم‌ترین کریم‌ترها، ای خدا!

کریم صفت قرآن کریم

قرآن نیز با «کریم» توصیف شده است: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ»؛ (۱۸) از

این توصیف چنین بر می آید که قرآن به طور مطلق کریم و محترم است؛ هم نزد خدا کریم است و شرافت دارد، و هم بدین جهت کریم است که صفاتی پسندیده دارد، و هم بدین جهت که سودرسان برای خلق است، سودی که هیچ چیز جای آن را نمی گیرد؛ چون مشتمل بر اصول معارفی است که سعادت دنیا و آخرت بشر را تضمین می کند (۱۹)

کریم صفت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز به «کریم» توصیف شده است: «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ»؛ (۲۰) این قرآن گفتار رسول بزرگواری است». در روایات نیز یکی از القاب پیامبر اسلام (ص)؛ «کریم» نام برده شده است (۲۱) (۲۲)

کریم صفت ائمه معصومین صلوات الله عليهم اجمعین

اهل بیت علیهم السلام ریشه و اصل کرم و کرامت هستند در زیارت جامعه کبیره می خوانیم

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ الْوَحْيِ وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَ خَزَانِ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى الْحِلْمِ وَ أَصُولِ الْكَرَمِ

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، و جایگاه رسالت، و عرصه رفت و آمد فرشتگان، و مرکز فرود آمدن وحی، و معدن رحمت، و خزانه داران بهشت، و نهایت بردباری، و ریشه های کرم

امام حسن (علیه السلام) را به دلیل صفات و فضایل اخلاقی، سخاوت و بخشش بی نظیری که داشت کریم اهل بیت می نامیدند. به صورتی که بارها نیمی از مال خویش را به نیازمندان داد (۲۳) اما وجود نازنین حضرت زهرا سلام الله علیها اکرم است

به نیابت مادرم طواف کن

علی بن مهزیار از موسی بن قاسم نقل کرد که گفت:

به ابو جعفر امام جواد (ع) گفتم: من می خواستم به نیابت از شما و نیابت از پدرت ابو الحسن الرضا (ع) طواف کنم. مردم گفتند که اوصیاء نیازی به طواف ندارند. آیا درست است؟ ابو جعفر گفت: نه، هر چند که ممکن باشد به نیابت از اوصیاء طواف کن که نیابت از اوصیاء جایز است.

چند سال بعد به ابو جعفر جواد گفتم: من سه سال پیش از شما اجازه گرفتم که به نیابت از شما و نیابت از پدرت ابو الحسن طواف کنم، و مدتها طواف کردم.

بعد، فکری در خاطرم گذشت که به آن عمل کردم. ابو جعفر گفت: چه فکری؟ من گفتم: یک روز به نیابت از رسول خدا (ص) **طواف** کردم. ابو جعفر بلافاصله گفت: صلوات خدا بر رسول خدا نثار باد. صلوات خدا بر رسول خدا نثار باد. صلوات خدا بر رسول خدا نثار باد. من گفتم: روز دوم به نیابت از امیر المؤمنین (ع) طواف کردم و روز سوم به نیابت از امام حسن مجتبی (ع) و روز چهارم به نیابت از سید الشهداء (ع) و روز پنجم به نیابت از علی بن الحسین امام سجاد (ع) و روز ششم به نیابت از ابو جعفر محمد بن علی باقر (ع) و روز هفتم به نیابت از ابو عبد الله صادق (ع) و روز هشتم به نیابت از جدّ موسی بن جعفر (ع) و روز نهم به نیابت از پدرت علی بن موسی (ع) و روز دهم به نیابت از تو ای سرور من. این اوصیاء همان رهبرانی هستند که من با ولایت آنان خدا را بندگی می‌کنم. ابو جعفر گفت: در این صورت خدا را با دین و آئینی بندگی می‌کنی که خداوند، غیر آن را نمی‌پذیرد. من گفتم: گاه می‌شود که به نیابت از مادرت فاطمه سلام الله علیها طواف می‌کنم و گاه می‌شود که طواف نمی‌کنم. ابو جعفر گفت: هر چه بیشتر به نیابت از **مادرم فاطمه** طواف کن که **بهترین اعمال** است. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ.**

در اینجا امام جواد علیه السلام طواف به نیابت از حضرت زهرا سلام الله علیها را بهترین عمل معرفی می‌کند و به موسی بن قاسم می‌گوید این طواف را بیشتر انجام بدهد. (۲۴)

نشانه های کرم و کرامت چیست؟

گاهی فکر می کنیم ثروت داشتن نشانه کرامت است اما، نه ثروت،
تکریم است و نه فقر، اهانت!

آیت الله العظمی جوادی آملی می فرمایند:

❖ هر چیزی که در دنیا ذات اقدس الهی مقرر کرد، یک آزمون است؛
در سوره مبارکه «فجر» چند بار این آیه مطرح شد، کسانی که وضع
مالی شان خوب است خیال می کنند که خدا اینها را گرامی داشت
(اکرام کرد)، برخی ها خیال می کنند آنها که وضع مالی شان خوب
نیست، خدا به اینها اهانت کرده است؛ در صورتی که نه آن درست
است، نه این درست است.

❖ (فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ * وَ
أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ * كَلَّا)، هر دو ابتلاء
است.

❖ خداوند می فرماید آنها که مبتلا به ثروت هستند، ما آنها را
آزمودیم، آنها که مبتلا به فقر هستند، ما آنها را آزمودیم. هر دو ابتلاء
است. افرادی که سالم هستند در خانه ها زندگی می کنند، مبتلا به
سلامت هستند. آنها که در بستر بیماری بیمارستان هستند، مبتلا به

مرض هستند. نه آن تکریم است، نه این اهانت. نه سرمایه‌دار مکرم است، نه تهیدست تحقیر شده.

﴿إِكْرَامٌ فِي الْقِيَامَةِ رُفْعٌ فِي الْقِيَامَةِ﴾: «إِنَّ الْغَنَى وَالْفَقْرَ بَعْدَ الْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ» (۲۵)

اما نشانه های واقعی کرامت چیست؟؟

ما در این محفل نورانی بفضل الهی شش نشانه کرامت و کریم بودن را عرض می کنیم

امام علی علیه السلام می فرمایند: إِنَّمَا الْكَرَمُ بَذْلُ الرِّغَائِبِ وَ إِسْعَافُ الطَّالِبِ (۲۶)

کرامت و بزرگواری نیست مگر با عطای بسیار و برآوردن نیاز جوینده با توجه به این حدیث شریف دو نشانه کرم را بیان می کند.

۱- عطاء و بخشش بسیار

بَذْلُ الرِّغَائِبِ

بخشش و انفاق بسیار در راه خدا از نشانه های کریمان عالم است. گاهی بعضی ثروتمندند اما دل بخشش ندارند که چه زیبا گفت شاعر:

درم داران عالم را کرم نیست

کرم داران عالم را درم نیست.

بخشش خالصانه مادر سادات

ماجرای نزول آیات سوره دهر در وصف حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها معروف است، لیکن به مناسبت، در این قسمت به آن اشاره می‌کنیم.

نقل شده حسنین علیهما سلام بیمار شدند و علی (ع) و فاطمه زهرا (س) نذر کردند، اگر آنها بهبودی بیابند، سه روز روزه بگیرند، حسنین و فضّه نیز تصمیم گرفتند در ادای این نذر با پدر و مادر همگام شوند، وقتی حال حسنین بهبود یافت، نوبت وفای به عهد رسید و آنها روزه گرفتند، اما چون در خانه چیزی برای افطار نداشتند، از این جهت حضرت علی مقداری پشم فراهم آورد و حضرت زهرا آن را به سختی ریسید و با مزد آن سه پیمانه جو فراهم آورد و از آن جو آرد تهیه کرده و با آن پنج قرص نان پختند، روز به پایان رسید و همه بر گرد سفره افطار جمع شدند، که ناگهان فقری در زد و با سلام بر اهل خانه اظهار نیاز نمود، علی (ع) و فاطمه (س) و به تبع آن دو، حسنین و فضّه، نانهای خود را برداشتند و به آن فقیر دادند و با آب افطار کردند، روز دوم هم به همان ترتیب پنج قرص نان فراهم آوردند، و وقتی قصد افطار داشتند، یتیمی بر در خانه آمد و اظهار حاجت نمود، این بار هم همه اعضای خانواده، غذای خود را به یتیم داده و او را بر خود

مقدم نمودند و فقط با آب افطار کردند، روز سوّم را نیز روزه گرفتند و باز به همان ترتیب هنگام افطار، اسیری بر در سرای اهل بیت آمد و از آنها تقاضای طعام نمود، آنان همگی نانهای خود را به اسیر دادند و برای سوّمین شب با آب خالی افطار کردند.

فردا وقتی رسول خدا (ص) به دیدن ایشان آمد، حسنین را از شدّت گرسنگی لرزان و نحیف دید و مشاهده کرد، فاطمه (س) رنگ پریده و ناتوان شده، رسول خدا (ص) بسیار ناراحت شده و فرمود: پناه بر خدا، خاندان محمد از گرسنگی در حال مرگ هستند، در این هنگام جبرئیل نازل شد و آیات ۱۱ - ۷ سوره دهر را نازل کرد، (آنها به نذر خویش وفا می‌کنند و از روزی که شرّ آن فراگیر است می‌هراسند و روزی خود را برای عشق به خدا به مسکین و یتیم و اسیر انفاق می‌کنند و می‌گویند: ما فقط به خاطر خدا شما را اطعام کردیم و از شما اجر و پاداشی نمی‌طلبیم، ما از پروردگار خود در روزی که چهره‌ها غمگین و درهم است، بیمناکیم، پس خدا هم آنان را از شرّ آن روز محفوظ داشت و به آنان دلی شاد و رویی گشاده ارزانی نمود). (۲۷)

اولین نشانه کرم و کریم بودن انفاق و عطای بسیار است و حضرت زهرا سلام الله علیها که بفرموده امیرالمومنین علی علیه السلام اکرم است.

إِسْعَافُ الطَّالِبِ

دومین نشانه کرم و کریم بودن برآوردن نیاز جوینده است
نقل شده که حضرت زهرا (س) هنگام عروسی پیراهنی کهنه داشت که
رسول خدا (ص) ضمن جهیزیه آن حضرت، پیراهنی نو تهیه نمود تا
زهرا (س) آن را در شب عروسی در بر کند، وقتی فاطمه زهرا (س) با
لباس نو به منزل علی (ع) رسید و مراسم جشن و اطعام پایان یافت
و زهرا و علی تنها شدند، فقیری بر در خانه آمد و اظهار حاجت نمود و
گفت: ای اهل خانه گرسنه و عریانم مرا اطعام کرده و بپوشانید.
فاطمه زهرا (س) از غذای عروسی برای آن فقیر کنار گذاشت و لباس
جدید خود را از تن بیرون آورد و همان لباس قدیمی را در بر کرد و
غذا و لباس را به فقیر بخشید و آنگاه فرمود: **لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا**
مِمَّا تُحِبُّونَ [۲۸]: به نیکی نمی‌رسید، مگر زمانی که از آنچه دوست
می‌دارید، **انفاق** کنید).

اینها شمه‌ای از صفات بی‌مانند سرور زنان دو عالم فاطمه زهرا (س)
بود، زنی که مظهر تمام صفات کمالیه حق و کفو و همشأن علی
مرتضی علی (ع) بود، همو که در فضلش همین بس که در شب
معراج به رسول خدا (ص) خطاب رسید: ای احمد، اگر تو نبودی،
آسمان و زمین را نمی‌آفریدم و اگر علی نبود تو را نمی‌آفریدیم و اگر
فاطمه نبود تو و علی را خلق نمی‌کردم! [۲] چون رسول خدا (ص) و

علی (ع) و اولاد پاک و اطهر ایشان عَلت غایی آفرینش همه کائنات هستند. (۲۹)

انفاق شهید صیاد شیرازی

رضوان خدا بر شهدا که رهرو راه اهل بیت علیهم السلام بودند فرزند شهید صیاد شیرازی نقل می کند:

بعد از شهادت پدر ، نامه های زیادی به منزل ما سرازیر شد. این نامه ها در زمان حیات پدر هم به منزل ما می آمد . ما فکر می کردیم که نامه ها اداری است و در مورد آنها کنجکاوی نمی کردیم. اما بعد از شهادت پدرمان متوجه شدیم که این نامه ها از سوی خانواده های بی سرپرست یا مستضعفی است که پدر به آنها کمک مالی می کرده اند. مادر بعد از سالها تازه متوجه شدند که پدر ، دو سوم حقوقشان را صرف این خانواده ها می کردند.ایشان تنها یک سوم از حقوق ماهیانه ی خود را صرف معیشت زندگی خانوادگی می کرد و دو سوم دیگر آن صرف امور خیریه و صندوق قرض الحسنه شخصی ایشان می شد، خانواده و حتی همسر ایشان، پس از شهادتشان متوجه شدند که میزان واقعی حقوق آن شهید چقدر بوده است. (۳۰)

دو ویژگی کرم و کریم را بیان کردیم نشانه سوم و چهارم را از امیرالمومنین علیه السلام بشنویم که فرمودند: **الْكَرَمُ مِلْكُ اللِّسَانِ وَ بَذْلُ الْإِحْسَانِ (۳۱)**

۳- نگهداری زبان

الْكَرَمُ مِلْكُ اللِّسَانِ كَرَمَ نِگَهْداری زبَان است.

سومین نشانه کرم نگهداری لسان و زبان است.

اهمیت و نقش زبان در سعادت و شقاوت انسان

استاد قرائتی نقل می کردند: یکی از علمای قم کتابی را نوشته‌اند فکر کردند و این بیست گناه را سی تا کردند. یکی از علمای اصفهان کتابی نوشته‌اند این ۳۰ تا را ۱۹۰ تا کرده‌اند و می‌شود گفت به نحوی بیشتر گناهان به زبان مربوط می‌شود. ما حرف زدن برایمان خیلی آسان است.

کافر نجس است اگر بگوید «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» پاک می‌شود. با حرف زدن پاک، نجس می‌شود. مسلمان اگر یکی از ضروریات دین را منکر بشود، کافر می‌شود.

با حرف زدن، حرام به حلال تبدیل می‌شود دختر و پسر به هم حرامند صیغه‌شان را که خواندی حلال می‌شوند.

با حرف زدن آدم می‌تواند جهنم را به بهشت تبدیل کند. گناهکار با گفتن استغفار، توبه می‌کند و نجات پیدا می‌کند. مهر، قهر می‌شود قهر، مهر می‌شود.

خدا می‌داند که چقدر اختلافات زناشویی است که ریشه‌اش را جستجو کنید می‌گوید مادر شوهرم یک کلمه گفت، می‌خواهم بینم این را به چه کسی گفت می‌خواهم انتقام بگیرم.

گاهی به خطر یک کلمه جنگهای خانمانسوز یا فتنه‌های گروهی حزبی پیش می‌آید.

مسأله زبان خیلی مهم است. قرآن می‌گوید: گاهی حرف زدن از پول دادن بهتر است: «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتَّبَعُهَا أذى» (بقره/ ۲۶۳) اگر می‌خواهی کمک کنی بعد منت بگذاری نمی‌خواهد کمک کنی. سلام گرم بکنی از پول دادن بهتر است. و متأسفانه ما خیلی بد حرف می‌زنیم.

چگونه حرف بزنیم؟ معمولی‌ترین بحث‌هاست اما سخت‌ترین کارهاست دهها آیه در این زمینه داریم. اگر می‌خواهیم در جامعه خوبی‌ها زیاد شود تشویق کنید مرحبا احسنت آفرین بگویید.

می‌خواهید یک نفر را بشکنید با حرف می‌شود شکست. می‌توان با حرف زدن شخصیت یک نفر را بالا برد و یا یک نفر را کوبید. با یک کلمه حرف از نظر حقوقی می‌تواند به حبس ابد برود. مثلاً در فقه اسلامی اگر کسی دستور داد بکش به نا حق، قاتل را باید کشت دستور دهنده را باید تا آخر عمر زندانی کرد.

با یک کلمه اسلام با یک کلمه کفر با یک کلمه بهشت با یک کلمه جهنم.

آخر این زبان بر خلاف همه عضوهاست اول که درد ندارد غیر از راه رفتن است قشنگی ندارد خرج ندارد هر زمان می‌شود در تاریکی چشم نمی‌تواند گناه کند اما زبان می‌تواند. هر جا که باشد.

با هر عضوی که بخواهی گناه کنی یک شرط می‌خواهد مثلاً جا باشد پول باشد مکان باشد روشنایی باشد وسیله باشد تنها چیزی که هیچ خرج و زمانی ندارد گناه با زبان است. (۳۲)

زبان را نگه دار

مردی به حضور نبی معظم اسلام صلی الله علیه و آله شرفیاب شد. عرض کرد: ای رسول خدا! به من سفارشی بنما. حضرت فرمود: زبان را نگه دار. او دوباره درخواست سفارش کرد. فرمود: زبان را نگه دار. مرتبه سوم در خواست نمود، حضرت فرمود: زبان را نگه دار، سپس با تندی فرمود: وای بر تو! مگر چیزی جز محصول زبان موجب عذاب مردم می‌گردد و آنان را به رو در آتش دوزخ می‌افکند. (۳۳)

رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

نَجَاةُ الْمُؤْمِنِ فِي حِفْظِ لِسَانِهِ. (۳۴) رهایی مؤمن از کیفر خداوند در نگهداری زبان اوست.

وَبَذَلَ الْإِحْسَانَ پراکندن احسان

چهارمین نشانه کرامت و کریم بودن بذل و پراکندن احسان و نیکی است

وجود نازنین حضرت صدیقه طاهره تمام وجودش در این عالم بذل احسان بوده و همچنان جاری و ساری است.

داستان احسان حضرت فاطمه سلام الله علیها به یهودیان

ابن شهر آشوب و قطب الدین راوندی گویند:

روایت شده که امام علی علیه السلام مقداری جو از یک یهودی قرض کرد، یهودی مزبور گفت:

باید در ازای آن چیزی را به عنوان رهن در نزد من بگذاری. و علی علیه السلام **چادر** حضرت **فاطمه** علیها السلام را که پشم بود به او داد. آن شخص **چادر** را گرفته و به خانه برده، در اطاقی گذاشت. به هنگام شب زن آن شخص برای انجام کاری داخل اطاق مذکور گردید و نوری را دید که اطاق را روشن کرده، فوراً از اطاق خارج شد و آنچه را دیده بود به شوهرش اطلاع داد، مرد **یهودی** که فراموش کرده بود **چادر فاطمه** علیها السلام در آن اطاق است تعجب نمود و به سرعت برخاسته

داخل آن اطاق گردید و بلافاصله دریافت که آن نور از چادری ساطع می‌شود که علی علیه السلام آن را گرو گذاشته است. پس آن مرد **یهودی** و همسرش از خانه خارج شده و هر یک به سوی اقوام خویش شتافته و آنها را از معجزه‌ای که دیده بودند آگاه نمودند، و در اثر این واقعه هشتاد نفر از آنها به اسلام متمایل گردیده و ایمان آوردند. (۳۵)

بینید چادر مادر سادات ۸۰ یهودی را مسلمان کرد و این احسان و کرامت بی بی دو عالم در این عالم است. همچنان مردم عالم در پای سفره احسان حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها هستند.

احسان صدیقه کبری سلام الله علیها به شهید برونسی

رحمت خدا و رضوان خدا بر شهید برونسی، شهید عبدالحسین برونسی به تعبیر مقام معظم رهبری اُستا عبدالحسین، چون ایشان یک کارگر بنا بود آدم چهره‌ی این بزرگوار را وقتی می‌دید اصلاً به قیافه‌اش شاید فرماندهی نمی‌خورد اما فرمانده گردان و بعد فرمانده‌ی تیپ شد و یکی از شجاعان جنگ ما. معاونش که سید بزرگواری هست و الان هست ایشان می‌گفت در یکی از عملیات‌ها که ایشان آن موقع فرمانده گردان بود در یکی از عملیات‌ها که لو رفته بود وقتی ما وارد آن قسمتی که باید بشویم شدیم، آتش سنگین دشمن روی ما ریخت، بچه‌ها همه زمین گیر بودند و می‌خواستند زمین دهان باز بکند که بروند پایین آنقدر آتش سنگین بود، همین جوری فقط مانده

بودند روی زمین. یک مقدار که گذشت حجم آتش کمتر شد و تقریباً دیگر خیلی آتش کم شد .

این سید بزرگوار معاون شهید برونسی می گوید : دیدم عبدالحسین روی زمین افتاده گفتم عبدالحسین! اصلاً انگار تو دنیا نیست هرچه صدایش می زدم، دو سه دقیقه گذشت بعد دیدم صورتش را بلند کرد خیس از اشک گفت : سید ! چهار پنج تا از آریچی زن هایت را بر می داری ۲۵ قدم سمت راست برو ، نه یک قدم کمتر نه یک قدم بیشتر ، ۲۵ قدم . بعد که رسیدی ۴۰ قدم برو جلو ، نه یک قدم بیشتر نه یک قدم کمتر. وقتی رسیدی آنجا به بچه ها بگو آریچی بزنند . این سید بزرگوار می گوید من بهش گفتم : عبدالحسین می خواهی مارا به کشتن بدهی؟ ما کجا برویم؟ کجا را داری می بینی؟ گفت : همین که بهت گفتم پاشو برو.

این سید می گوید فهمیدم عبدالحسین عادی نیست بلند شدم سه چهار نفر را برداشتم ۲۵ قدم سمت راست خیلی مواظب بودم قدم ها را به تعداد بردارم. چهل قدم هم رفتم جلو. به این بچه های آریچی زن گفتم بزنید؛ گفتند کجا را بزنیم ما چیزی نمی بینیم . گفتم بزنید. وقتی زدند یک جهنمی برپا شد ، و عبدالحسین هم بقیه ی بچه ها را که زمین گیر بودند برداشت و رفتند جلو، پیروزی خوبی به دست آمد.

این سید می گوید: فردای آن روز وقتی من این منطقه را دیدم بهتم زد دیدم ما درست در میدان مین بودیم ، عبدالحسین جوری هدایت کرد ۲۵ قدم ۴۰ قدم ، که یک نفر از بچه ها روی مین نرفت و آن موشک هایی که خورد یکی در سنگر فرماندهی شان بود و بعضی جاهای دیگری بود که زده بود . همه ش موثر بود ، فهمیدم عادی نیست سمج شدم بهش گفتم عبدالحسین ! دیشب چکار کردی ؟ گفت کاری نکردم ، گفتم من می دانم این عادی نیست چکار کردی؟ خیلی اصرار کردم تا آخر گفت.

گفت وقتی ما روی زمین خوابیده بودیم و زمین گیر بودیم من توسل کردم به حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها ، ایشان خیلی نسبت به حضرت زهرا ارادت داشت. گفتم خانم جان ! آن کاری که از دست ما بر می آمد کردیم ما کم نگذاشتیم این بچه ها مسئولیتشان با من است، قسم دادم حضرت را گفتم خانم شما کمک کن، اینجا کار گره خورده . من دیگر نمی توانم کاری کنم. حضرت زهرا به من فرمود ۲۵ قدم سمت راست ۴۰ قدم بروید جلو و بزنید موشک ها را.

رزمندگان جنگ نظامی ما این شکلی بودند نگاهشان به آسمان بود در هین زحماتی که می کشیدند . رزمندگان جنگ اقتصادی هم اینجوری هستند؟ نگاهشان به آسمان است؟ ان شالله که این جوری اند. (۳۶)

۵- وفای به عهد و وفاداری

الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ وَفَى (۳۷)

پنجمین نشانه کرامت و کریم بودن و کرم داشتن این است که مولا امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند: **الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ وَفَى** کریم به وعده ای که می دهد عمل می کند یکی از معیارهای قوی برای تشخیص ایمان انسان وفای به عهد است.

سه چیز بین المللی است

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرَّيْنِ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ. (۳۸)

از امام باقر (علیه السلام) که فرمود: سه چیز است که خدا عز و جل در آنها برای احدی رخصت نداده است:

ادای امانت به خوش کردار و بد کردار، **وفای به عهد** و پیمان برای خوش کردار و بد کردار، و احسان به پدر و مادر چه خوش کردار باشند و چه بد کردار.

در نامه امیرالمومنین علی علیه السلام به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام آمده است وَ اعْلَمْ أَنَّ مِنَ الْكِرَمِ الْوَفَاءُ بِدَانٍ كَهَذَا مِنْهُ

های کرم وفاست. اهل بیت علیهم السلام اهل وفا بودن شهدا اهل وفا بودن

تمام دغدغه های شهدای کربلا وفا به سید الشهداء علیه السلام بود

انتهای وفاداری

سعید بن عبدالله از شهدای کربلاست مردی شجاع و دلاور و از بزرگان شیعه در کوفه بود، و نامه کوفیان را به عنوان آخرین قاصد در مکه تحویل امام(علیه السلام) داد. امام نیز در جواب مردم کوفه، قبل از اعزام مسلم بن عقیل، وی را به عنوان پیک و نامه رسان خویش به سوی مردم کوفه روانه ساخت.

او در کوفه ماند تا آنکه مسلم وارد کوفه شد و با مسلم بیعت کرد. مسلم بن عقیل نیز او را مجدداً با نامه ای به سوی امام حسین(علیه السلام) فرستاد.

او برای مرتبه دوم در مکه به حضور امام(علیه السلام) شرفیاب شد و چون امام(علیه السلام) به او اجازه بازگشت به وطن را داد عرض کرد: نه بخدا قسم تو را رها نخواهم کرد تا حق رسول خدا(صلی الله علیه وآله) را درباره ات مراعات کرده باشم.

آنگاه افزود: «وَاللّٰهُ لَوْ أَعْلَمُ أَنِّي أُقْتَلُ ثُمَّ أَحْيَا ثُمَّ أُحْرَقُ ثُمَّ أُذْرَى وَ يُفْعَلُ بِي ذَلِكَ سَبْعِينَ مَرَّةً، مَا فَارَقْتُكَ حَتَّى أَلْقَى حَمَامِي دُونَكَ وَكَيْفَ أَفْعَلُ ذَلِكَ وَ إِنَّمَا هِيَ مَوْتَةٌ أَوْ قَتْلَةٌ وَاحِدَةٌ ثُمَّ هِيَ بَعْدُ الْكَرَامَةُ الَّتِي لَا

انْقِضَاءَ لَهَا أَبَدًا»؛ (به خدا سوگند! اگر بدانم که کشته می شوم سپس زنده می گردم، آنگاه مرا می سوزانند و خاکستر مرا به باد می دهند و این کار را با من هفتاد بار انجام دهند هرگز از شما جدا نمی شوم تا آنکه در راه تو جان دهم، چرا چنین نکنم در حالی که مرگ یا کشته شدن تنها یک بار است و پس از آن کرامتی است که انتهای ندارد!). (۳۹)

روز عاشورا هنگامی که امام (علیه السلام) در زیر باران تیرها به نماز ایستاد «سعید بن عبدالله» و تنی چند از یاران فداکار آن حضرت در پیش روی امام ایستادند و بدن خویش را سپر تیرها کردند و درد تیرها را با تمام توان در صورت و سینه و پهلوی خود به جان خریدند، سعید با اصابت سیزده تیر در بدنش بر زمین افتاد و گفت:

«اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ لَعَنَ عَادَ وَ ثَمُودَ، اللَّهُمَّ أْبْلِغْ نَبِيَّكَ عَنِّي السَّلَامَ وَ أْبْلِغْهُ مَا لَقِيتُ مِنْ أَلَمِ الْجَرَّاحِ فَإِنِّي أَرَدْتُ ثَوَابَكَ فِي نُصْرَةِ ذُرِّيَّةِ نَبِيِّكَ»؛ (خدایا این جماعت را از رحمت خود دور ساز! چنانکه با قوم عاد و ثمود کردی، خداوندا سلامم را به پیامبرت ابلاغ کن و از دردی که به من رسیده او را با خبر ساز، که هدفم از تحمل این همه درد و رنج در راه یاری ذریه پیامبرت، برای رسیدن به پاداش تو است.

آنگاه چشمانش را گشود و به چهره نورانی امام نگریست و عرض کرد:

«أَوْفَيْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ»؛ (آیا به وظیفه ام عمل کردم و وفا نمودم؟

امام(علیه السلام) در پاسخ فرمود: «نَعَمْ، أَنْتَ أُمَامِي فِي الْجَنَّةِ»؛
(آری، تو پیشاپیش من به بهشت خواهی رفت).

«سعید بن عبدالله» با شنیدن این کلام غرق سرور و شادی شد و جان
به جان آفرین تسلیم کرد(۴۰)

مسأله شهادت یاران امام حسین(علیه السلام) تنها مسأله نهادن جان
بر سر اهداف آن حضرت نیست، مهم تر از آن سطح بالای معرفت
آنها نسبت به مقام امام(علیه السلام) و آمادگی بی قید و شرطشان
برای انجام فرمان آن حضرت، و درک صحیح معنای ولایت است که
در لابه لای کلمات آنان موج می زند(۴۱) (۴۲)

خوشا بحال سعید بن عبدالله در لحظات آخر روی دامن آقا ابا عبدالله
الحسین علیه السلام جان داد این هم نتیجه وفاداری و وفای به عهد و
این نشانه کریمان عالم است.

داستان شهید باوفا

رضوان خدا بر شهید شاهی روزهای آخر، چند روز قبل از شهادتش
مدام این یه بیت شعر رو با خودش زمزمه می کرد:

عاشق که شدی تیر به سر باید خورد

زهری است که مانند عسل باید خورد

هیچ کدام از بچه ها نمی دونستن که منظور مهدی از خواندن این یه بیت شهر چیه؟!

گذشت تا اینکه خبر شهادتش بین بچه ها پیچد وقتی بالا سرش حاضر شدیم دیدم یه تیر خورده وسط پیشونیش به حالت سجده افتاده و به شهادت رسیده.

اون موقع بود که فهمیدیم مهدی می خواست با خواندن اون یه بیت شعر چه چیزی رو بهمون بفهمونه:

عاشق که شدی تیر به سر باید خورد

زهری است که مانند عسل باید خورد

با بچه ها و رفقای شهید قرار گذاشتیم روز بعد از شهادتش یه مجلس یادبود برای شهید شاهی تو سنگر خود شهید برگزار کنیم، همه قبول کردند.

صبح فرا رسید همه اومده بودند قبل از شروع مراسم شهید نصراله رستگار لب به سخن گشود: بچه ها دیشب خواب مهدی رو دیدم، میگفت به بچه ها بگو کسی برای من گریه نکنه، ناراحت نباشه که جای من خیلی خوبه.

آخه اون لحظه ای که تیر به سرم اثابت کرد جسمم به زمین نیفتاد سر به دامن ارباب بی کفن گذاشتم، اون لحظه آقا بالا سرم بود، تو

دامن آقا اباعبداللہ (ع) چون دادم ... (۴۳) پس وفای به عهد از نشانه های کریمان است

انواع عهد

۱- عهد با خداوند

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ
(۶۰-یس)

ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید زیرا وی دشمن آشکار شماست

«أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ؟»: آیا با شما پیمان نبستم؟ آیا به شما توصیه نکردم؟ مراد فرمان دادن است. چنین عهد و پیمان و توصیه و دستوری، از طرق مختلف با انسان بسته شده و بدو فرمان داده شده است. یکم: توسط پیغمبران. دوم: توسط عقل. چرا که دلائل و براهین عقلی با زبان گویائی به انسانها می‌فهمانند که نباید جز خدا را پرستید و اطاعت کرد. سوم: از راه فطرت. چرا که انسان ذاتاً یکتاپرست بوده و فطرت سالم، طاعت و عبادت را منحصر به ذات پاک پروردگار می‌داند. «لَا تَعْبُدُوا»: مراد از عبادت در اینجا، اطاعت است. چرا که یکی از صورتهای عبادت اطاعت می‌باشد.

۲- عهد با پیامبر صلی الله علیه و آله

با با اسلام آوردن خود عهدی با نبی مکرم اسلام داریم و آن حفظ دین است.

۳- عهد با امام زمان عجل الله

اگر عهد و پیمان ما با امام زمانمان برقرار بود و گرفتار دنیا نمی شدیم ظهور به تأخیر نمی افتاد

این جملات، قسمتی از نامه‌ای است که از ناحیه مقدّس امام زمان(عج) برای شیخ مفید(ره) فرستاده شده است. حضرت در این نامه، بعد از سفارش‌های لازم به شیخ مفید و دستورهایی به شیعیان، به امر مهمّی که سبب غیبت ایشان شده است، اشاره می‌کنند.

قال الامام المهدي(ع): «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتَهُ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا»

حضرت مهدی(عج) فرمودند: «اگر شیعیان ما - که خداوند آنها را در راه پیروی از خود موفقشان دارد-، دل‌هایشان در وفا به پیمانی که با ما دارند، یک‌پارچه بود، از فیض ملاقات ما محروم نشده و سعادت دیدار با معرفتشان با ما زودتر فراهم می‌شد، این دیدار به تأخیر نمی‌افتد، مگر برای اخبار ناخوش‌آیندی که از آنان به ما می‌رسد.... (۴۴)

۴-عهد با خود

انسان گاهی با خودش عهدی می بندد، عهد می بندد که گناه نکند و حتی از نظر شرعی می تواند قسم بخورد و بر انجام آن محکم بایستد و چنانچه خلف کند باید کفاره بدهد انسان بر عهد خودش باید وفادار باشد.

۵-عهد با دیگران

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: لا دین لمن لا عهد له: آن کس که به پیمان خود وفادار نیست دین ندارد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا سُمِّيَ إِسْمَاعِيلُ صَادِقَ الْوَعْدِ لِأَنَّهُ وَعَدَ رَجُلًا فِي مَكَانٍ فَانْتَظَرَهُ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ سَنَةً فَسَمَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَادِقَ الْوَعْدِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الرَّجُلَ أَتَاهُ بَعْدَ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِيلُ مَا زِلْتُ مُنْتَظِرًا لَكَ.

امام صادق علیه السلام فرمود: همانا اسماعیل صادق الوعد نامیده شد که با مردی در جائی وعده گذاشت و او یک سال در آنجا انتظار او را میکشید، از این رو خدای عز و جل او را صادق الوعد نامید، سپس آن مرد آمد و اسماعیل باو گفت: من همواره در انتظار تو بودم (۴۵)

ششمین نشانه کریم بخشیدن در هنگام قدرت است امیرالمومنین فرمودند: الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ وَفَى وَ إِذَا قَدَرَ عَفَا. کریم در هنگامی که قدرت گرفت می بخشد.

در منابع زیادی آمده است که معاویه و لشکریانش در ماجرای جنگ صفین، آب را بر روی سپاه امام علی علیه السلام و یارانش بستند . طبری در تاریخ خود - به نقل از عبد الله بن عوف بن احمر- می نویسد: چون به صَفِّین رسیدیم، مشاهده نمودیم که شامیان شریعه فرات را گرفته اند؛ و معاویه، ابو اعور سَلْمی را به همراه سواران و پیادگانی بر آب گماشته و پیشاپیش آنان، تیراندازان و نیزه داران و سپرداران را به صف کرده و همگی کلاهخود بر سر داشتند و جمع شده بودند تا علی علیه السلام و یارانش را از آب، باز دارند. تا شاید به وسیله این کار بتوانند بر امام و سپاهیانش فشار وارد کنند تا آنان را تسلیم نمایند.

آن گاه که امیر مؤمنان(علیه السلام) از این کار مطلع شد؛ صَعَصَعَهُ بَن صُوحَانَ را فرا خواند و به او فرمود: « نزد معاویه برو و بگو: ما این راه را به سوی شما پیموده ایم؛ تا حَجَّت را بر شما تمام کنیم، و پیش از آن، از جنگ با شما اکراه داشتیم .

اکنون می بینم تو با سواران و پیادگانت با ما به جنگ برخاسته ای و آب را بر روی ما بسته ای. و این جنایتی است که انجام داده اید. به

یارانت پیغام فرست که راه آب را بر سپاه من باز بگذارند؛ و گرنه به سپاهم رخصت می دهم که بر سر آب بجنگند تا هر که چیره شد، بنوشد.

معاویه - با تعدادی از یارانش به مشورت بر خواست و - گفت: شما چه می اندیشید؟

ولید بن عقیبه گفت: ای معاویه! اینان آب را بر عثمان بن عفان باز داشتند. پس تو هم آب را بر ایشان ببند... و ایشان را تشنه لب بکُش، که خدایشان تشنه لب بکشد!

سپس عبد الله بن ابی سرح گفت: آب را بر آنان ببند. ایشان اگر به آب دست نیابند، باز می گردند؛ و همین بازگشتشان، گریز و شکست است (۴۶)

در شرح نهج البلاغه آمده است: علی (علیه السلام) و یارانش - بعد از آنی که دیدند آب بر روی شان بسته شده- از معاویه و یارانش خواستند که آب را برایشان بگشایند؛

ولی آنان گفتند: به خدا سوگند، قطره ای آب به شما نخواهیم داد تا تشنه لب بمیرید.

آنگاه امام علی علیه السلام، اشتر را با سپاهی به یاری اشعث و شُبث، گسیل داشت. و هر دو سپاه با هم جنگیدند تا اینکه آب به دست یاران امام علی علیه السلام افتاد. (۴۷)

ابن اثیر در کتاب کامل فی تاریخ - در بیان جنگ بر سر آب - می

نویسد: .

آن گاه یاران علی(علیه السلام) گفتند: به خدا سوگند، - دیگر- به شامیان آب نمی دهیم؛ ولی علی (علیه السلام) برای یارانش پیک فرستاد و فرمود: «به قدر حاجت از آن آب بگیرید و اجازه دهید که شامیان هم از آب بگیرند؛ همانا آنان -پیش از این- ستم کردند، پس شما، خود ستم می کنید(۴۸)

امام علیه السلام فرمود: « نه. به خدا سوگند، با ایشان همچون خودشان مقابله نمی کنم. (۴۹) (۵۰)

راههای رسیدن به کرامت

۱- در خواست از خداوند متعال

باید از خداوند متعال عاجزانه بخواهیم که ما را جزء مکرمین قرار دهد
جزء انسانهای با کرامت و کریم قرار دهد

آیت الله جوادی آملی در مورد کسی که خدا به او کرامت بدهد می فرمودند:

شهید سوره مبارکه «یس» را بررسی کنید، در سوره مبارکه «یس» یک شهیدی است که در راه دین مبارزه کرده و شربت شهادت نوشیده و (قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ) وارد بهشت برزخی شده است. پیام این شهید که در سوره مبارکه «یس» هست، به ماها که زنده ایم این است که (یا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ)،

(۵۱) این (یا لَیْتَ) پیام است. شهید سوره «یس» می‌گوید ای کاش

شما بودید می‌دیدید که این‌جا چه خبر است و چه چیزهایی به ما دادند! این یعنی چه؟ یک آرزوی محض است یا پیام محرک است؟ فرمود شهید سوره «یس» پیام او این است که ای کاش شما بودید و می‌دیدید این‌جا چه خبر است! الآن زنده است! این قرآن «الی یوم القيامة» است و این پیام هم «الی یوم القيامة» است، پس معلوم می‌شود که پیام دو طرفه است. آنها که زنده‌اند، چه در سوره مبارکه «بقره» و چه در سوره «آل عمران» فرمود مبدا بگویند اینها مُرده‌اند! (لا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَٰكِنْ لَا تَشْعُرُونَ)، (۵۲) (وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ)؛ (۵۳) مبدا خیال کنید شهید مُرده

است! مبدا خیال کنید اینها از بین رفته‌اند! این سوره مبارکه «بقره» و آن هم سوره مبارکه «آل عمران» است، آنها زنده‌اند! زنده‌اند؛ یعنی به فکر ما هستند! می‌گویند ای کاش شما بودید و می‌آمدید این‌جا

می‌دیدید که این‌جا چه خبر است! (یا لَیْتَ قَوْمِ يَعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ)، «مُکرمین» در قرآن چه کسانی هستند؟ وصف فرشته‌هاست! (بِأَيْدِي سَفَرَةٍ * كِرَامِ

بَرَرَةٍ)، (۵۴) «مُکرمین» در قرآن کریم وصف اینهاست. (بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ * لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ) (۵۵) در سوره «انبیاء» وصف ملائکه است؛ فرمود ملائکه بندگان مُکرم الهی‌اند، هرگز

جلو نمی‌افتند، هرگز عقب نمی‌مانند، با دستور دین همراه هستند. همین بیاناتی که در زیارت «جامعه کبیره» درباره ائمه است، امام هادی (سلام الله علیه) درباره ائمه و اهل بیت (علیهم السلام) در زیارت «جامعه کبیره» همین بیان نورانی را دارد که ذات اقدس الهی در سوره «انبیاء» برای ملائکه گفته است که اهل بیت نه از فرمان خدا را جلو می‌زنند و نه به دنبال می‌افتند، بلکه با دستور خدا هستند. (۵۶)

پیام سوره مبارکه «یس» این است: (يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ * بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ)؛ ای کاش دوستان ما می‌دانستند که خدا با ما چه کرد و ما را جزء «مُکرمین» و همراه با فرشته‌ها قرار داد! بنابراین کربلا برای همیشه زنده است، عاشورا برای همیشه زنده است، «حُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ» برای همیشه زنده است و آنها هم هستند. اینها که در دفاع مقدس هشت ساله بودند یا الآن در جریانات دیگر شربت شهادت می‌نوشند. (۵۷)

شهید حاج قاسم سلیمانی از خدا خواست خدایا مرا پاکیزه بپذیر و خداوند شهادت که کرامت بزرگ است به او داد. رضوان خدا بر دانشمند هسته ای شهید محسن فخری زاده که خدا به او هم کرامت داد و او را شهید پذیرفت. پس اولین راه رسیدن به کرامت درخواست خالصانه از خداست.

إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ حِجَرَاتٍ: ۱۳.

محترمترین و شریفترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شما است این آیه همان است که افتخارات پوچ را زیر پا گذاشته و ارزش انسان را در پیشگاه خدا فقط در تقوی برسمیت می‌شناساند و اگر پیامبران و امامان و فقهاء و نظیر آنها را محترم میدانیم آنهم از «اتقی» بودنست و اگر سیدی را بخاطر اجدادش محترم بداریم باز منتهی به «اتقی» بودن اجدادش میباشد. اکرم شما اتقای شماست. (۵۸)

امیرالمومنین علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرمایند:

فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوبِكُمْ وَ بَصَرٌ عَمَى أَفْئِدَتِكُمْ وَ شِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَ صَلَاحٌ فَسَادِ صُدُورِكُمْ وَ طَهْرٌ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ وَ جَلَاءٌ [غِشَاءٍ] عَشَا أَبْصَارِكُمْ

همانا تقوا و ترس از خدا، داروی بیماری‌های دل‌ها، روشنایی قلب‌ها، و درمان دردهای بدن‌ها، مرهم زخم جان‌ها، پاک کننده پلیدی‌های ارواح، و روشنایی بخش تاریکی چشم‌ها، و امنیت در نا آرامی‌ها، و روشن کننده تاریکی‌های شماست

فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوهَا وَ احْلَوْلَتْ لَهُ الْأُمُورُ
بَعْدَ مَرَارَتِهَا وَ انْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأُمُوجُ بَعْدَ تَرَكُمِهَا وَ أَسْهَلَتْ لَهُ الصَّعَابُ
بَعْدَ إِنْصَابِهَا وَ هَطَلَتْ عَلَيْهِ الْكَرَامَةُ بَعْدَ قُحُوطِهَا.

پس کسی که تقوا را انتخاب کند، سختی‌ها از او دور گردند، تلخی‌ها
شیرین و فشار مشکلات و ناراحتی‌ها برطرف خواهند شد، و مشکلات
پیاپی و خسته‌کننده، آسان گردیده و مجد و بزرگی (کرامت) از دست
رفته چون قطرات باران بر او فرو می‌بارند

در این حدیث نورانی امیرالمومنین می‌فرمایند کسی که اهل تقوا
باشد خداوند کرامت و کرم را مثل قطرات باران بر او فرو می‌ریزد.

۳- همنشینی با کریمان

در دعای روز هشتم ماه مبارک رمضان از خداوند می‌خواهیم

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ ... صُحْبَةَ الْكِرَامِ

خدایا در این ماه همنشینی و رفت و آمد و مصاحبت با اهل کرامت
را نصیبم فرما،

۴- توسل و تمسک به اهل بیت علیهم السلام

در زیارت جامعه می‌خوانیم

فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَ أَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ؛

پس خداوند شما را به شریف ترین جایگاه بزرگواران، والاترین مرتبه های مقربان و بالاترین درجه های رسولانش رساند.

همانطور که عرض شد وجود نازنین ائمه خود در جایگاه بزرگی و کرامت هستند و پیروی از آن بزرگواران انسان را به کرامت می رساند آیت الله جوادی آملی می فرمایند:

وجود مبارک پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت اینها کریم اند می بینید اگر در سوره انبیاء خدا در وصف فرشته ها فرمود: (بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ * لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ) همین وصف کرامت را می بینید ما در زیارت جامعه درباره ائمه (علیهم السلام) عرض می کنیم می گوئیم «بل عباد مکرمون» این در زیارت جامعه است همان وصفی که خدای سبحان در سوره انبیاء برای ملائکه ذکر کرد همان وصف را وجود مبارک امام هادی (سلام الله علیه) در زیارت جامعه برای اهل بیت ذکر کرد «بل عباد مکرمون لا یسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون» خب اگر اینها کریم اند پیروی کریم، انسان را به کرامت می رساند اگر اینها حبیب الله اند پیروی حبیب الله انسان را، این منطقی حرف زدن است برهانی سخن گفتن است (إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي) چون من حبیب الله هستم خب پیروی حبیب الله هم انسان را حبیب الله می کند (يُحِبُّكُمُ اللَّهُ) خب حالا اگر کسی محبوب

خدا شد یقیناً بداند در هیچ کاری نمی‌ماند هیچ کاری او را زمین‌گیر نمی‌کند مگر ممکن است خدای سبحان محبوب خودش را رها کند*.
(۵۹)

سرّ اینکه فرشتگان به کرامت رسیدند و بندگان مُکرم خدا شدند، آن است که افتخار شاگردی ائمه اطهار (علیهم السلام) را دارند؛ چنانکه همگان حتی انبیا شاگرد آنها شدند؛ چنانکه علی (علیه السلام) در خطبه ای فرمود: همانا ما خاندان محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نورهایی اطراف عرش الهی بودیم.

پس خداوند ما را به تسبیح فرمان داد، ما تسبیح کردیم. پس فرشتگان به وسیله تسبیح ما خدا را تسبیح کردند. سپس خداوند ما را به سوی زمین هبوط داد و مأمور به تسبیح کرد. پس ما تسبیح خدا کردیم، سپس اهل زمین به وسیله تسبیح ما خدا را تسبیح گفتند ... بدین ترتیب، مجموعه عالم امکان، بر سر سفره کرامت امیرمؤمنان و سایر ائمه (علیهم السلام) نشسته است. (۶۰) توسل به اهل بیت به انسان کرامت می‌دهد و میان بُری است برای رسیدن به خداوند متعال

گریز به روضه

مرحوم آیت الله شیخ محمدتقی اصفهانی (آقاجفی) می‌گوید: در شب نهم محرم الحرام سنه ۱۲۸۲ در کربلای معلی مشرف بودم.

نصف شب بعد از تهجد، چند دقیقه به خواب رفته، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را در خواب دیدم که آن حضرت و جمع کثیری از شیعیان ایستاده بودند و آن مظلومه، مصایبی را که بر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) از سقیفه وارد شده بود بیان می فرمود و مردم گریه میکردند. چون ذکر مصیبت تمام شد، مردم متفرق شدند.

پس نظر به اینکه من به واسطه نسبت و سبب محرمیت داشتم، نقاب از روی خود برداشته و فرمودند: «این اول مصیبتی است که بر ما اهل بیت (ع) وارد شده است، شاد مباد چشمی که این مصیبت را بشنود و قلب او محزون و چشم او گریان نشود و آنچه ظلم بر اهل بیت وارد شد، نتیجه ظلمی بود که به واسطه سقیفه وارد شد و بعد فرمودند: در شادی ما و در حزن ما اندوهناک باشید.»
عرض کردم: چه ثواب است برای کسی که در مصیبت شما گریه کند؟

فرمودند: «گناهان او آمرزیده می شود و من در روز قیامت او را شفاعت خواهم نمود. به درستی که هرگاه اهل مشرق و مغرب عالم بر محبت اهل بیت (ع) اتفاق می کردند و در مصیبت ایشان محزون بودند، هر آینه خداوند جهنم را خلق نمی فرمود. به درستی که آتش جهنم بر دوستان اهل بیت (ع) حرام است.» (۶۱)

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى فَاطِمَةَ وَ اَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ سِرِّ الْمُسْتَوْدَعِ
فِيهَا بِعَدَدِ مَا احَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

حضرت امیر المومنین رفت مسجد و بچه ها هم رفتند دعا کنند برای
شفای مادر . اسماء می گوید من را صدا زد و فرمود تو هم از اتاق برو
بیرون می خواهم تنها باشم . می گوید من آمدم پشت در اتاق ولی
می شنیدم دارد حرف می زند دعا می خواند قران می خواند. فرمود اگر
من آرام شدم ساکت شدم دو حالت دارد یا خوابیدم یا از دنیا رفتم.
اگر خوابیده بودم که هیچ اگر دیدی از دنیا رفتم برو علی را خبر کن .
می گوید من آمدم جلوی در اتاق قدم می زدم دل توی دلم نبود یک
وقت دیدم صدای بانو قطع شد می شنیدم دارد می گوید فرشته ها
خوش آمدید جبرئیل خوش آمدی عزرائیل خوش آمدی فرشته ها
خوش آمدید هی نگرانی ام بیشتر می شد . یک وقت دیدم آرام شد
در را باز کردم بینم خواب رفته یا از دنیا رفته؟ دیدم روپوش روی
صورتش هست روپوش را کنار زدم دیدم فاطمه جان داده. اسما
خودش را انداخت رو بدن حضرت زهرا همین طور که گریه می کرد
حسن و حسین رسیدند تو این حالت حساس، صدا زد بچه ها بیایید
برایتان غذا بیاورم فهمیدند از چشمهای اسماء از وضع مادر فهمیدند
اسماء بی مادر شدیم، می خواهی از ما پنهان کنی خودشان را انداختند

روی بدن مادر. امام حسین خیلی عاطفی بود صورتش را گذاشت کف پای مادر می دانید چرا صورت روی کف پا گذاشت؟ چون پای مادر زیرش بهشت هست الجنه تحت اقدام ، بهشت هست. صدا می زند مادر جان من حسینم کَلْمِینِی، با من حرف بزن قبلَ عن یُفارغ روحی قبل از آنکه جان دهم قبض روح می شوم. امام حسن آرامش کرد برادر صبور باش بیا برویم پدرمان را خبر کنیم.

اسما این دو تا را با احترام از روی بدن برداشت وقتی هم به علی علیه السلام خبر دادند ایشان هم بچه ها را بغل کرد هیچ کجا ننوشته اند آنجایی که روی بدن انداختند خودشان را آنجایی که شب غسل می داد خودشان را روی بدن انداختند تا خداحافظی کنند آنجایی که بدن مادر را برداشتند آنجایی که خبر برای بابا آوردند کسی نوشته به این بچه ها تازیانه زده باشند کسی جسارت کرده باشد .

اما من بمیرم کربلا وقتی دختر ابی عبدالله خودش را روی بدن حسین انداخت یک عده ای جمع شدند. خدا رحمت کند آقای کوثری را گفت یک بچه ۳،۴ ساله مگر چند نفر می خواهد چرا تازیانه ؟ می گفتند آن چنان بدن را چسبیده بود که جدا نمی شد می گفت:

بزنیدم اما مَبریدم ، بابایم غریب است بگذارید کنار بدنش
بمانم... (۶۲)

منابع و پی نوشت

- ۱- (جامع الاحادیث نور / زندگانی حضرت زهرا علیها السلام) ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ص: ۶۳۱)
- ۲- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، مؤسسه الوفاء، بیروت، دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۳، ص ۶۵، ح ۵۱۱.
- ۳- همان، ج ۴۳، ص ۱۰۵.
- ۴- الثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، مؤسسه انصاریان، قم، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۹۴؛ الاسرار الفاطمیة، شیخ محمدفاضل مسعودی، تحقیق عادل علوی، مؤسسه الزائر، قم، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۷۷. (مجله مبلغان)
- ۵- لغت نامه دهخدا، واژه «کریم»؛ بستانی، فؤاد افرام، مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی - فارسی، ص ۷۲۶ - ۷۲۷، تهران، اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
- ۶- ابن فارس، أحمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۱۷۱ - ۱۷۲، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
- ۷- همان، ص ۱۷۲.
- ۸- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، محقق، مصحح، طناحی، محمود محمد، ج ۴، ص ۱۶۶، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش؛ همچنین ر.ک: قشیری، ابو القاسم، شرح الأسماء الحسنی، تحقیق، سعید، عبد الروف، محمد علی، سعد حسن، ص ۲۶۹ - ۲۷۲، قاهره، دار الحرم للتراث، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- ۹- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۳۱، قم، مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم.

۱۰- (جامع الاحادیث نور / قاموس قرآن، ج ۶، ص: ۱۰۴)

۱۱- نمل، ۴۰.

۱۲- انفطار، ۶.

۱۳- علق، ۳.

۱۴- رحمن، ۲۷ و ۷۸.

۱۵- شیخ طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۱، ص ۲۲۰، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

۱۶- ابن طاووس، علی بن موسی، جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، ص ۳۰۵، قم، دار الرضی، چاپ اول، ۱۳۳۰ق.

۱۷- کفعمی، ابراهیم بن علی، البلد الأمين و الدرع الحصین، ص ۴۱۸، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

۱۸- واقعه، ۷۷.

۱۹- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۳۷، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق.

۲۰- حاقه، ۴۰؛ ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۴۷۷، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.

۲۱- بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۳۰.

۲۲- پایگاه اینترنتی اسلام کویت

۲۳- (پایگاه ویکی فقه / قمی، عباس، منتهی الامال، ص ۵۰۱، نگارش، انتشارات دلیل، چاپ اول، ۱۳۷۹).

۲۴- جامع الاحادیث نور / کافی: ج ۴ ص ۳۱۴ کتاب الحج باب الطواف والحج عن الائمة (ع).

۲۵- پایگاه آیت الله جوادی آملی (اسراء)/ جلسه درس تفسیر ۲۰ اسفند ۹۷

۲۶- جامع الاحادیث نور - غرر الحكم ج ۱ ص ۲۷۴

۲۷- (جامع الاحادیث نور / قصص الأنبياء (قصص قرآن - ترجمه قصص الأنبياء جزائری)، ص: ۷۲۵)

۲۸- سوره آل عمران، آیه ۹۲.

۲۹- حدیث معروف: لولاک لما خلقت الافلاک و جامع الاحادیث نور / قصص الأنبياء (قصص قرآن - ترجمه قصص الأنبياء جزائری)، ص: ۷۲۵

۳۰- (پایگاه اینترنتی بنیاد هابلیان)

۳۱- (جامع الاحادیث نور / تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۲۱۴)

۳۲- (مجموعه آثار استاد قرائتی / برنامه درسهایی از قرآن سال ۶۹، آفات زبان ۱، ص: ۲)

۳۳- الکافی: ۲ / ۱۱۵، حدیث ۱۴؛ بحار الأنوار: ۶۸ / ۳۰۳، باب ۷۸، حدیث ۷۸. / جامع الاحادیث نور / تفسیر و شرح صحیفه سجادیه استاد انصاریان، ج ۹، ص: ۴۱

۳۴- الکافی: ۲ / ۱۱۴، حدیث ۹؛ بحار الأنوار: ۶۸ / ۳۰۰، باب ۷۸، حدیث ۷۳.

۳۵- مناقب ابن شهر آشوب

۳۶- (از بیانات استاد عالی در بیت رهبری فاطمیه ۹۸)

۳۷- عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص: ۲۷

۳۸- جامع الاحادیث نور / بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۵۶

۳۹- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۷۰ و مقتل الحسین مقرر، ص ۸۸.

۴۰- اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۰۶ و ابصار العین، ص ۱۲۶.

۴۱- گردآوری از کتاب: «عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها»، سعید داودی و مهدی رستم نژاد، زیر نظر آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی)، امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم، ۱۳۸۸ هـ.ش، ص ۴۶۷.

۴۲- پایگاه اینترنتی آیت الله مکارم شیرازی

۴۳- (پایگاه اینترنتی شهید شاهی نویسنده: ناحیه بسیج دانشجویی استان خوزستان / شهید دانشجو مهدی شاهی ولادت: ۱۲/۸/۴۶ بهبهان شهادت: ۱۶/۱۰/۶۵ فاو)

۴۴- (پایگاه اسلام کویست / طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، محقق، خراسان، محمد باقر، ج ۲، ص ۴۹۹، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق.)

۴۵- (جامع الاحادیث نور / الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۱۰۵ / أصول الکافی / ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص: ۱۶۴)

۴۶- تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۷۱؛ شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۳۱۸؛ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۶۴؛ الإمامة والسیاسة، ج ۱، ص ۱۲۴؛ وقعة صفین، ص ۱۶۰

۴۷- شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۳؛ ینابیع المودة، ج ۱، ص ۴۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۱۴۵.

۴۸- الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۶۵؛ تاریخ الطبری: ج ۴، ص ۵۷۲؛

۴۹- گرد آوری از: دانش نامه امیرالمؤمنین، محمد محمدی ری شهری، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث، قم، ۱۳۸۶ هـ ش، چاپ اول، ج ۵، ص ۵۶۱-۵۷۹.

۵۰- پایگاه آیت الله مکارم شیرازی

۵۱- سوره یس، آیات ۲۶ و ۲۷.

۵۲- سوره بقره، آیه ۱۵۴.

۵۳- سوره آل عمران، آیه ۱۶۹.

۵۴- سوره عبس، آیات ۱۵ و ۱۶.

۵۵- سوره انبیاء، آیات ۲۶ و ۲۷.

۵۶- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۰؛ «... وَ عِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ (لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ) وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

۵۷- پایگاه اسرا / تفسیر آیت الله جوادی آملی

۵۸- جامع الاحادیث نور / قاموس قرآن، ج ۶، ص: ۱۰۵

۵۹- (پایگاه آیت الله جوادی آملی / اسراء)

۶۰- علی مظهر اسمای حسناى الهی ص ۱۳۵ / کانال رسمی آیت الله جوادی آملی در شبکه های اجتماعی

۶۱- (کتاب در حریم وصال/ پایگاه عقیق/ باشگاه)

۶۲- روضه از حجت الاسلام استاد رفیعی

برترین های
فاطمه

کانال
فیش منبر
در اینستا